



آمار رسمی چه می گویند

# کاشت برنج در ۲۲ استان حتی مناطق بی آب

## بهاد قبادی خبرنگار

در روزگاری که سطح بارندگی استان ها و به تبع آن، آب سدهای کشور کاهش قابل توجه داشته و در برخی شهرها تنش آبی داریم؛ در زمانی که خشکسالی در کشور سایه افکنده و سفره های زیرزمینی به مرز هشدار رسیده اند، سیاست های غلط در زمینه مدیریت آب و کشت محصولات کشاورزی، وضعیت را هر روز بدتر کرده است. احتمالاً به گوشتان خورده که کاشت برخی محصولات کشاورزی صرفه آبی برای کشور ندارد. محصولاتی همچون هندوانه، خربزه، خیار و... که برای رشد و به بار نشستن، آب زیادی مصرف می کنند. اما ابعاد بحران در سیاستگذاری بخش کشاورزی از این نیز فراتر است، به طوری که طبق داده های آماری وزارت کشاورزی، در دو سال اخیر با وجود ممنوعیت کشت برنج در خارج از استان های شمالی، در مجموع در ۲۲ استان کشت برنج انجام می شود. این درحالی است که طبق آخرین آماری که وزارت نیرو در خصوص وضعیت

آب در کشور ارائه داده، تا ۱۷ تیرماه، وضعیت سدهای کشور آنچنان مطلوب نیست و به طور کلی، ۴۰ درصد ظرفیت آنها خالی است. همچنین بسیاری از استان ها، با کمبود بارش نسبت به سال قبل همراه بودند. از طرف دیگر با توجه به گرمای شدید این روزها در کشور و افزایش مصرف و همچنین رشد میزان تبخیر و تعرق در پشت سدها، ظرفیت آنها و همچنین آب های زیرزمینی کم و کمتر می شود. همچنین گزارش های سازمان هواشناسی نشان می دهد از ابتدای سال زراعی امسال تا تاریخ ۲۲ تیرماه میزان بارندگی در کل کشور نسبت به دوره بلندمدت کاهش بیش از ۲۰ درصدی داشته است. این میزان در خراسان رضوی، سیستان و بلوچستان و سمنان به ترتیب ۵۳ و ۴۵ درصد کاهش داشته و در استان های قزوین، هرمزگان و تهران بیش از ۴۰ درصد است. در کرمان، قم، مرکزی، گلستان و خراسان جنوبی نیز این مقدار بین ۳۰ تا ۴۰ درصد است.

## کاشت ممنوعه برنج در ۲۰ استان!

برنج را در استان های مختلف ارائه دهد... حال در تیرماه ۱۴۰۲ هستیم و ۴ سال از آن اظهارات گذشته است. آخرین اطلاعاتی که از وزارت جهاد کشاورزی وجود دارد، نشان می دهد تا سال ۱۴۰۰، از ۳۱ استان کشور، کشت برنج در ۲۲ استان (کم یا زیاد) در حال انجام است. استان ها به ترتیب سطح زیر کشت عبارتند از: مازندران، گیلان، خوزستان، گلستان، فارس، لرستان، آذربایجان شرقی، ایلام، زنجان، اصفهان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، سیستان و بلوچستان، خراسان رضوی، خراسان شمالی، اردبیل، قزوین، کرمانشاه، کردستان، آذربایجان غربی، خراسان جنوبی و کرمان. برنج به عنوان کالای استراتژیک و یکی از محصولات خوراکی مهم در بین ایرانی ها است، اما این به معنای آن نیست که الگوی کشت مناسبی برای این محصول در نظر گرفته نشود و هرجایی که کشاورزان خواستند، برنج بکارند. حاشیه سود برنج با توجه به قیمت بالایی که اکنون در بازار دارد- برای کشاورزان باعث شده که نتوانند دست از کشت این محصول بکشند، اما اقدامات آنها تیر خلاصی به منابع آبی استان های خود است.

یکی از محصولات که نیاز به آب فراوان و شرایط محیطی خاص دارد، برنج است. همه ما می دانیم که شالیزارها در روش سنتی کشت برنج، باید غرق آب و با محیط شرعی باشند تا بتوان محصول مناسب برداشت کرد. این شرایط در استان هایی که با کم آبی مواجهند، توجیهی ندارد. از سال ۱۳۹۸، دولت وقت تصمیم گرفت کاشت برنج در همه استان های کشور به جز مازندران و گیلان را ممنوع اعلام کند. این موضوع به تصویب هیات دولت رسید و طی بخشنامه ای به همه استان های کشور ابلاغ شد. در این بخشنامه تاکید شده بود که در طول ۳ سال به استان های غیر شمالی که برنج کشت کنند، مزیایایی تعلق نمی گیرد و از آنان حمایت نخواهد شد تا کشاورزان این استان ها به تغییر محصول روی آورند. علی سردار اکبری، معاون وقت وزیر جهاد کشاورزی، در اظهاراتی که ۴ تیرماه ۱۳۹۸ داشت، اعلام کرد که محدودیت کشت برنج به مدت ۳ سال در کارگروه سازگاری با کم آبی تصویب شده و بعد از این مدت، کشت این محصول به غیر از دو استان گیلان و مازندران ممنوع خواهد بود. اکبری تاکید کرده بود: «وزارت جهاد کشاورزی همچنین مکلف شده تا کشت های جایگزین

## کشت برنج کویر!

گیاهی کم آب بر است را به کشاورزان معرفی کرده تا این کشت های جایگزین برنج شوند، اما بسیاری از کشاورزان استقبالی از کشت های جایگزین نکرده اند و اصرار به شالیکاری دارند، چون حاشیه سود فروش برنج بیشتر از کشت های دیگر است و روز به روز بر قیمت آن افزوده می شود. فرهاد شریفی، معاون وقت بهبود تولیدات گیاهی سازمان جهاد کشاورزی فارس در سال ۱۴۰۰ طی مصاحبه ای اعلام کرد با وجود مصوبه مجلس لغو ممنوعیت کشت برنج، شالیکاری با استفاده از آب های زیرزمینی همچنان در این استان ممنوع است و به فرمانداران و بخشداران اعلام شده از برداشت آب های زیرزمینی جلوگیری کنند. اما آنچه در حال انجام است، با گفته مسئولان در تعارض است. دو استان خراسان رضوی و خراسان شمالی هم وضعیتی مشابه اصفهان و سیستان و بلوچستان دارد. مدیرعامل شرکت آب منطقه ای خراسان رضوی در فروردین ماه سال جاری گفت: «هم اینک تنها ۱۵ درصد از حجم ذخیره سدهای مشهد آب دارد که این رقم در مدت مشابه سال قبل ۲۷ درصد بوده و شرایط نگران کننده است.» اکنون که در تابستان قرار داریم، وضعیت آب در این استان ها بغرنج تر هم شده و مصرف بالای چند ده میلیون لیتر آب برای کشت برنج در این استان ها به نظر نمی رسد هیچ گونه صرفه اقتصادی و زیست محیطی داشته باشد.

کمک به کشاورزان، کشت های جایگزین را برای آنها فراهم کرد. وضعیت آب در استان های اصفهان و فارس هم به حدی دارای مشکل است که سال ۱۴۰۰، اعتراضات مردمی در برخی شهرهای این استان ها برای وضعیت آب به وجود آمد. مجید ناصرالاصلی، رئیس کمیسیون ویژه آب و مناطق کم برخوردار شورای اسلامی شهر اصفهان روز ۱۴ تیرماه سال جاری در مصاحبه ای با تاکید بر اینکه مشکل اصلی این استان آب است، گفت: «این مشکل به محیط زیست، اشتغال، معیشت و کسب و کار، بهداشت و سلامت مردم ربط پیدا می کند.» کارشناسان اعلام کرده اند به ازای هر هکتار زمین شالیزار، ۱۱ تا ۱۳ هزار لیتر آب مصرف می شود. اصفهان با ۲ هزار و ۱۷۱ هکتار زمین شالیزار، به صورت نسبی ۲۸ میلیون لیتر آب برای بهار آوردن محصول برنج مصرف می کند. این درحالی است که سد زاینده رود اصفهان که آب شرب بسیاری از مناطق این استان را فراهم می کند، در حال حاضر نزدیک به ۶۰۰ میلیون لیتر آب دارد. لذا حجم آب سنگینی که می تواند برای تولید برخی محصولات کم آب بر و پربازده مصرف شده یا تبدیل به آب شرب شود، روانه شالیزارهای کویری می شود. استان فارس هم با وجود خشکسالی شدید در این استان و نگرانی مسئولان همچنان در حال کشت برنج است. طی سال های قبل، در پی اداره جهاد کشاورزی کشت های جایگزین مانند «کینوا» که

استان های کویری و پرتنش آبی کشور هم از این قاعده مستثنی نیستند. کشاورزان درحالی که از کم آبی ناله سر می دهند، اما همچنان محصولاتی مانند برنج کشت می کنند. آماری که وزارت جهاد کشاورزی در سال ۱۴۰۰ در خصوص برنج منتشر کرده، نشان می دهد استان هایی همچون کرمان، فارس، اصفهان، سیستان و بلوچستان و خراسان رضوی و خراسان شمالی که با کم آبی شدیدی مواجهند، در حال کشت برنج هستند. طبق آمار مذکور اصفهان با ۲ هزار و ۱۷۱ هکتار، فارس با ۴۳ هزار و ۳۷۶ هکتار، سیستان و بلوچستان با هزار و ۷۵۷ هکتار، خراسان رضوی هزار و ۷۵ هکتار و کرمان با ۴ هکتار سطح زیر کشت برنج، استان های خشکی هستند که در آنها این محصول به عمل می آید. وضعیت اسفبار سیستان و بلوچستان در حوزه آب، بر همگان آشکار است و با این حال این استان، سیزدهمین استان کشور از نظر سطح زیر کشت برنج است. استانی که به دلیل مشکلات آبی در مرز با افغانستان و بسته شدن آب هیرمند روی مردم این استان و کاهش بارش ها در جنوب شرقی کشور، مردمش در حال مهاجرت از شهرهای آن به مناطق دیگر کشور هستند، سالانه حدود ۲۲ میلیون لیتر آب صرف تولید برنج می کند. این درحالی است که کشت برخی محصولات کشاورزی مانند انبه که این استان سردمدار تولید آن است، آب کمتری مصرف می کند و می توان با

## چالش کمبود برنج و راه جبران

موجود، میزان برنج مورد نیاز در ایران، حدوداً ۳/۲ میلیون تن در سال است که از این مقدار، حدوداً ۲/۲ میلیون تن در داخل تولید و مابقی از طریق واردات تامین می شود. حال با توجه به اینکه می توان حدود ۷۰ درصد برنج را در استان های شمالی کشت کرد، ۳۰ درصد مابقی را می توان با افزایش بهره وری تولید کرد و همچنین جبران از طریق واردات را برنامه ریزی کرد تا مشکلی در بازار برنج به وجود نیاید. راهکار دیگر کشت فراسرزمینی برنج است. کشت فراسرزمینی به معنای کاشت انواع محصول در سایر کشورها و واردات آن به ایران است. این نوع کشت، موضوعی است که طی چند سال اخیر در کشورمان مطرح شده و اکنون اهمیت آن با توجه به وقوع خشکسالی در بسیاری از استان ها، محدودیت شدید منابع آبی و تاثیر آن بر وضعیت معیشتی مردم بیش از هر زمانی نمایان است. مهم ترین مزیت کشت فراسرزمینی جلوگیری از هدر رفت آب است. با توجه به شدت بحران آب در کشور باید در جهت بهره وری کشور موجود و استفاده از روش های آبیاری و کاشت، داشت و برداشت نوین و کاشت

موجود، میزان برنج مورد نیاز در ایران، حدوداً ۳/۲ میلیون تن در سال است که از این مقدار، حدوداً ۲/۲ میلیون تن در داخل تولید و مابقی از طریق واردات تامین می شود. حال با توجه به اینکه می توان حدود ۷۰ درصد برنج را در استان های شمالی کشت کرد، ۳۰ درصد مابقی را می توان با افزایش بهره وری تولید کرد و همچنین جبران از طریق واردات را برنامه ریزی کرد تا مشکلی در بازار برنج به وجود نیاید. راهکار دیگر کشت فراسرزمینی برنج است. کشت فراسرزمینی به معنای کاشت انواع محصول در سایر کشورها و واردات آن به ایران است. این نوع کشت، موضوعی است که طی چند سال اخیر در کشورمان مطرح شده و اکنون اهمیت آن با توجه به وقوع خشکسالی در بسیاری از استان ها، محدودیت شدید منابع آبی و تاثیر آن بر وضعیت معیشتی مردم بیش از هر زمانی نمایان است. مهم ترین مزیت کشت فراسرزمینی جلوگیری از هدر رفت آب است. با توجه به شدت بحران آب در کشور باید در جهت بهره وری کشور موجود و استفاده از روش های آبیاری و کاشت، داشت و برداشت نوین و کاشت

یکی از چالش هایی که احتمال می رود در صورت محدود شدن تولید برنج در دو استان شمالی کشور به وجود بیاید، کمبود این محصول در کشور و به هم خوردن نظام عرضه و تقاضای آن است. گرچه این حرف می تواند تا حدودی درست باشد اما باید به تفاوت فاحش سطح زیر کشت مازندران و گیلان با سایر استان ها توجه کرد. استان مازندران در سال ۱۴۰۰ با ۲۵۳ هزار و ۸۹۸ هکتار شالیزار، ۳۹ درصد سطح زیر کشت و گیلان هم با ۱۷۷ هزار و ۹۷۳ هکتار، ۲۷٫۳ درصد شالیزارهای کشور را به خود اختصاص داده است. این یعنی حدود ۶۰ درصد تولید برنج ایرانی، در این دو استان انجام شده است. در برخی سال ها این رقم به ۷۰ درصد هم رسیده است. همچنین اگر استان گلستان را به این دو استان اضافه کنیم، عملاً نزدیک به ۸۰ درصد از زمین های زیر کشت برنج کشور در سه استان شمالی است. جبران وضعیت بازار برنج پس از محدود سازی کشت به دو استان شمالی، راهکارهای متفاوتی دارد. ساده ترین راهکار واردات است. بنابر آمارهای

## از برنج کویر تا تبدیل شالیزار شمال به ویلا

خارج از سه استان شمالی منجر به کاهش تولید این محصول در کشور خواهد شد، اما چیزی که منجر به کاهش تولید می شود، نه ممنوعیت کشت بلکه تناقض سیاستگذاری در بخش کشاورزی کشور است. این سیاستگذاری متناقض و رهاسازی بخش کشاورزی منجر شده از یک سو بهترین زمین های کشاورزی که عمدتاً شالیزار هستند به ویلا تبدیل شود و از سویی دیگر، در استان هایی که با تنش آبی روبه رو هستند اقدام به کشت و تولید برنج شود که یک محصول بسیار آب بر است. در نهایت در کنار واردات، گزینه بهتر برای سیاستگذار، اول بهبود بهره وری و افزایش تولید برنج در استان های شمالی از طریق حفظ شالیزارهای فعلی و در نهایت جلوگیری از تغییر کاربری این شالیزارها و همچنین احیای شالیزارهای رها شده و بازگرداندن آنها به زیر کشت است. از قضا و متأسفانه در شمال کشور تعداد این شالیزارها که با هدف تغییر کاربری برای چندین سال به صورت آیش نگهداری می شوند بسیار زیاد بوده و هدف مالکان یا خریداران نیز جلوگیری از تولید برای تغییر کاربری در فرصت مناسب است تا به ویلا تبدیل شوند.

به جز سه استان شمالی باعث کاهش ۲۲ درصدی برنج (معادل ۶۹۰ هزار تن) در کشور خواهد شد. این اتفاق قابل پیش بینی است و نمی توان آن را رد کرد، اما موضوعی که کمتر به آن توجه شده، مساله ظرفیت های سه استان شمالی برای افزایش تولید برنج است. آمارها نشان می دهد طی سه دهه اخیر و به ویژه در یک دهه اخیر به این ظرفیت هایی توجهی شده است. برای مثال، طبق دو گزارش روزنامه «فرهیختگان» که با عنوان «یک سوم شمال ویلا شد» به تاریخ ۲۲ شهریور ۱۴۰۰ و گزارش ۴۰ درصد باغ های جای، ویلا شدند، به تاریخ ۲۴ آبان ۱۴۰۰، طی سه دهه اخیر حدود ۳۳ درصد از زمین های کشاورزی و شهرهای ساری و میانرود، قائمشهر و رامسر به کاربری مسکونی تبدیل شده است. این وضعیت در گیلان نیز کمابیش تکرار شده است. اما آمارهای دیگر نیز نشان می دهد از سال ۱۳۷۹ به بعد ۴۰ درصد از باغ های کشت چای تغییر کاربری داده اند که عمده این تغییر کاربری ها مربوط به کاربری مسکن بوده است. بنابراین، گرچه ممنوعیت کاشت برنج در

شورخانه مساله محیط زیست و چالش های آن در ایران به یک شمشیر دولبه تبدیل شده است. از یکسو با هدف تامین امنیت غذایی، افزایش تولیدات صنعتی و معدنی بسیاری از مجوزهای زیست محیطی بدون مطالعه کافی یا بدون پیوست های زیست محیطی صادر می شود و از سوی دیگر، بسیاری از زمین های کشاورزی و باغات بدون توجه به امنیت غذایی، تبدیل به ویلا شده و شهرداری ها و دهیاری ها برای تامین مالی خود، چوب حراج به منابع ملی می زنند. در موضوع کاشت برنج در استان های مختلف نیز شاید این مورد مطرح شود که یک سوی این ایجاد ممنوعیت ها، افزایش وابستگی کشور به واردات برنج خواهد بود. این موضوع تا حدودی نیز درست است؛ چرا که در حال حاضر حدود ۶۵ درصد از برنج ایرانی در دو استان گیلان و مازندران تولید می شود که اگر سهم نزدیک به ۱۳ درصدی گلستان را نیز به آن اضافه کنیم، حدود ۶۸ درصد از برنج ایرانی در سه استان شمالی تولید می شود. بنابراین در وهله اول شاید گفته شود با توجه به تولید سالانه ۳ میلیون تنی برنج در کشور، ممنوعیت کاشت برنج در استان هایی

مجموعاً ۱۲۸۰،۸۵۹ تن مازندران ۶۷۶،۱۰۲ گیلان ۳۸۶،۷۵۸ گلستان ۳۳۱،۹۶۰ خوزستان ۲۳۴،۰۳۲ فارس ۳۲،۲۹۶ لرستان ۱۸،۸۶۶ آذربایجان شرقی ۱۷،۵۴۹ ایلام ۱۱،۷۶۷ اصفهان ۹،۹۷۹ کهگیلویه و بویراحمد ۸،۴۲۹ چهارمحال و بختیاری ۷،۷۹۱ زنجان ۵،۱۶۱ سیستان و بلوچستان ۵،۰۶۱ خراسان رضوی ۲،۲۷۵ اردبیل ۲،۲۴۴ قزوین ۱،۱۶۹ خراسان شمالی ۴۳۲ کرمانشاه ۹۴ کردستان ۳۹ آذربایجان غربی ۱۸ خراسان جنوبی ۵ کرمان

